

نگاهی بر گسترش دوره‌های
تحصیلات تکمیلی در ایران (۱۳۸۵-۱۳۹۵)

معاونت پژوهش‌های اجتماعی - فرهنگی
دفتر: مطالعات اجتماعی

کد موضوعی: ۲۱۰
شماره مسلسل: ۱۶۱۱۳
مهرماه ۱۳۹۷

فهرست مطالب

۱.....	خلاصه مدیریتی.....
۳.....	مقدمه.....
۵.....	روش تهیه گزارش.....
۱۰.....	رشد دانشجویان تحصیلات تکمیلی به تفکیک زیرنظامها.....
۱۳.....	وضعیت فعلی نسبت دانشجو به استاد در زیرنظامها.....
۲۰.....	ترکیب جنسیتی گروه‌های تحصیلی و روند رشد دانشجویان تحصیلات تکمیلی برحسب گروه‌های تحصیلی...۲۰
۲۱.....	نتیجه‌گیری.....
۲۱.....	منابع و مأخذ.....



نگاهی بر گسترش دوره‌های تحصیلات تکمیلی در ایران

(۱۳۸۵-۱۳۹۵)

خلاصه مدیریتی

گزارش حاضر با هدف توصیف و تبیین شرایط و روند رشد جمعیت دانشجویان تحصیلات تکمیلی کشور به لحاظ کمی و برخی شاخص‌های کیفی مبتنی بر ماده (۶۶) قانون برنامه ششم توسعه تهیه شده است. علاوه بر این، میزان رشد کل دانشجویان و رشد مجموع دانشجویان تحصیلات تکمیلی کشور، میزان رشد مجموع اعضای هیئت علمی تمام‌وقت، سهم دانشجویان زن و سهم هر کدام از دستگاه‌های عمده متولی آموزش عالی، از دانشجویان تحصیلات تکمیلی در یک دهه اخیر نیز گزارش شده است. همچنین وضعیت کنونی آموزش عالی کشور از حیث نسبت دانشجو به استاد، سهم گروه‌های تحصیلی مختلف از اعضای هیئت علمی تمام‌وقت به تفکیک مرتبه علمی و دستگاه‌های اجرایی مربوطه ارائه شده است. آمارها نشان می‌دهد کل جمعیت دانشجویی کشور در بازه ۱۰ ساله از سال تحصیلی ۱۳۸۶-۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵-۱۳۹۴ افزایش یافته و این افزایش در مقاطع تحصیلات تکمیلی بسیار بیشتر بوده و رشد ۴۳۵ درصدی داشته است. در مدت مذکور تعداد دانشجویان کارشناسی ارشد حدود ۶/۵ برابر و تعداد دانشجویان دکتری تخصصی بیش از پنج برابر شده است.

طبق آمارهای به دست آمده میزان جمعیت دانشجویان تحصیلات تکمیلی کشور در نیمه دوم بازه زمانی فوق‌الذکر یعنی از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ از رشد بیشتری نسبت به نیمه اول آن برخوردار بوده که در این بازه زمانی بیشترین رشد مربوط به دانشجویان دوره دکتری تخصصی با نرخ رشد ۱۹۱ درصدی بوده است. رشد دانشجویان دکتری تخصصی در دانشگاه آزاد اسلامی نمود بسیار بیشتری نسبت به سایر دانشگاه‌ها داشته است به طوری که تعداد این دسته از دانشجویان در دانشگاه آزاد اسلامی از سال تحصیلی ۱۳۸۹-۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵-۱۳۹۴ نزدیک به هشت برابر شده است.

با این وجود در این مدت رشد جمعیت هیئت علمی تمام‌وقت دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی و پژوهشی کشور - به‌عنوان یک شاخص کیفیت - متناسب با رشد جمعیت دانشجویان تحصیلات تکمیلی نبوده و میزان آن تنها ۵۷ درصد بوده است. همچنین، در سال‌های اخیر با افزایش جمعیت دانشجویی نرخ بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی نیز بیشتر شده است که ناشی از عدم توازن شدید بین بازار کار و تعداد فارغ‌التحصیلان دانشگاهی بوده است.

آمارها در سال تحصیلی ۱۳۹۵-۱۳۹۴ نشان می‌دهند سهم دانشجویان زن در دوره کارشناسی ارشد در اکثر گروه‌های تحصیلی بجز فنی و مهندسی بیشتر از مردان بوده است و در گروه علوم انسانی

سهم دو جنسیت تقریباً معادل است. همچنین، تمایل زنان به دو گروه علوم پزشکی و علوم پایه بیشتر از سایر گروه‌هاست.

تعداد دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی و پژوهشی دولتی و غیردولتی در کشور از سال ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۴ بیش از ۴/۵ برابر شده است. در این شرایط بیشترین تعداد مؤسسات مربوط به دانشگاه جامع علمی کاربردی و پس از آن دانشگاه پیام نور بوده است. بالاترین تعداد دانشجوی به‌ازای هر مؤسسه مربوط به وزارت علوم و دانشگاه آزاد اسلامی و کمترین این رقم مربوط به دانشگاه فرهنگیان و مؤسسات آموزش عالی غیردولتی - غیرانتفاعی بوده است. همچنین، بهترین نسبت تعداد هیئت علمی به‌ازای هر مؤسسه مربوط به دانشگاه‌های وابسته به وزارتین بهداشت و علوم است.

با عنایت به موارد فوق می‌توان گفت تحصیلات تکمیلی و به‌طور کلی آموزش عالی کشور در سال‌های اخیر به لحاظ کمی شاهد گسترش سریع و روزافزونی بوده است؛ اما با توجه به عدم تحقق شاخص‌های کیفی توسعه آموزش عالی نظیر نسبت مناسب دانشجوی به استاد، توسعه اندک امکانات آزمایشگاهی و رفاهی و ... می‌توان این توسعه را نامتوازن تلقی کرد درحالی که با وجود توازن در کمیت و کیفیت است که آموزش عالی می‌تواند در اعتلای جامعه و پیشرفت علمی، فنی، صنعتی و فرهنگی جامعه تأثیرگذار باشد.

درنهایت مهم‌ترین یافته‌های این گزارش را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

۱. به‌دلیل کاهش جمعیت جوان کشور سیر رشد مجموع دانشجویان کشور نزولی و منفی است و بیشترین اثر خود را تا مقطع کارشناسی دارد. معنای این حرف آن است که بسیاری از واحدهای آموزشی در مقطع کارشناسی با بحران مواجه خواهند شد.

۲. با افزایش مجموع تقاضا برای دوره‌های تحصیلات تکمیلی و کاهش تقاضا برای مقاطع پایین‌تر، واحدهای آموزشی برای تداوم حیات خود ناگزیر به ارتقا وضعیت و کیفیت آموزشی برای جذب دانشجوی در دوره‌های تحصیلات تکمیلی هستند که این موقعیت می‌تواند به‌عنوان فرصتی برای این واحدها باشد تا در بازه زمانی معینی نسبت به ارتقا کیفیت آموزش عالی در دوره‌های تحصیلات تکمیلی اقدام کنند.

۳. عدم تناسب رشد اعضای هیئت علمی با میزان رشد تعداد دانشجویان باعث کاهش کیفیت تحصیلات تکمیلی در کشور شده است.

۴. افزایش تعداد دانشجویان تحصیلات تکمیلی در کشور با افزایش بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی همراه بوده است. روند بیکاری این گروه روبه‌رشد و صعودی است که می‌تواند در درجه نخست به‌دلیل پایین بودن ظرفیت‌های صنعتی و توسعه‌ای کشور در جذب فارغ‌التحصیلان دانشگاهی و پذیرش فراتر از نیاز باشد.



۵. با وجود اینکه به برخی از شاخص‌های مورد نظر نقشه جامع علمی کشور نزدیک شده‌ایم اما سیر صعودی بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی نشان می‌دهد که شاخص‌های مورد بحث از جامعیت لازم برخوردار نیستند و به این لحاظ توسعه آموزش عالی به تنهایی نمی‌تواند با اتکا به این شاخص‌ها به اهداف مورد نظر دست یابد.

۶. دانشگاه آزاد اسلامی در میان سایر مراکز آموزشی بیشترین سهم را در افزایش تعداد دانشجویان تحصیلات تکمیلی داشته است و مهم‌تر آنکه این افزایش سهم در فاصله زمانی محدودی رخ داده است.

۷. تغییر ترکیب جنسیتی دانشجویان تحصیلات تکمیلی با افزایش سهم زنان و رشد حضور آنها در همه گروه‌های تحصیلی از دیگر یافته‌های این گزارش است که می‌تواند نتایج اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خاص خود را در پی داشته باشد.

۸. از حیث نسبت دانشجو به استاد، دانشگاه‌ها و دانشکده‌های علوم پزشکی با نسبت ۱۳ دانشجو به یک عضو هیئت علمی بهترین وضعیت را داشته و دانشگاه آزاد اسلامی - که بیشترین نقش و سهم را در افزایش تعداد دانشجویان تحصیلات تکمیلی داشته است - همچنین دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی غیردولتی و غیرانتفاعی مجری دوره‌های تحصیلات تکمیلی به ترتیب با نسبت‌های ۵۰ و ۱۱۶ دانشجو به یک عضو هیئت علمی تمام‌وقت بدترین وضعیت را داشته‌اند. به بیان دیگر بخش‌ها و مؤسساتی که بیشترین سهم افزایش ظرفیت پذیرش دانشجو را به خود اختصاص داده‌اند، به دلیل رشد نامتوازن امکانات مورد نیاز، از جمله نسبت‌های نامناسب دانشجو به‌ازای هر عضو هیئت علمی، بیشترین حد از کاهش کیفیت تحصیلات تکمیلی را موجب شده‌اند.

۹. فاصله بهترین دانشگاه‌های کشور از حیث نسبت دانشجو به استاد با دانشگاه‌های مطرح دنیا چندان قابل مقایسه نیست که این مسئله نشانه مهمی برای اتخاذ سیاست‌های مناسب جذب دانشجو و تغییر فرایند و روند فعلی جذب است.

۱۰. از حیث گروه‌های تحصیلی بهترین وضعیت نسبت دانشجو به استاد در گروه‌های علوم پزشکی و علوم پایه و بدترین وضعیت مربوط به گروه‌های علوم انسانی و هنر است.

مقدمه

دانشگاه‌ها با توجه به توانمندی‌های بالقوه و بالفعل خود و اینکه محل حضور فعالیت علمی جوانان و نخبگان یک کشور هستند، در حل مسائل و رفع نیازمندی‌های اهداف توسعه ملی بسیار تأثیرگذارند و یکی از اصلی‌ترین مجاری خدمت دانشگاه‌ها به جوامع و بشریت، تحقیق و پژوهش است که به تبع آن تولید علم و فناوری حاصل می‌شود. این همه در شرایطی است که در حال حاضر علم و فناوری در پیشبرد جوامع به عاملی تعیین‌کننده تبدیل شده است. دانشجویان کارشناسی ارشد و دانشجویان دکتری به‌عنوان عصاره تحصیل‌کردگان دانشگاهی، بار اصلی تحقیقات و پژوهش در دانشگاه‌ها را برعهده دارند.

البته تحقیقات دانشگاهی هنگامی می‌تواند منشأ اثر و تحول علمی، فنی و صنعتی باشد که دارای کیفیت و حداقل استانداردهای علمی مطلوب باشد. می‌توان گفت بالا بودن کیفیت تحقیقات دانشگاهی - با فرض آموزش مناسب- به بالا بودن کیفیت دوره‌های دکتری و دوره‌های کارشناسی ارشد است. در این میان تضمین کیفیت دوره دکتری، از آن حیث که حرکت در مرزهای دانش را امکان‌پذیر می‌سازد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. اما تضمین کیفیت دوره دکتری، به‌عنوان یکی از وظایف وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، از جمله به کیفیت پذیرفته‌شدگان، اعضای هیئت علمی، فراهم‌سازی شرایط مطلوب تحقیق و پژوهش برای دانشجویان و اعضای هیئت علمی، وجود منابع علمی، مسئله‌محور بودن موضوعات تحقیقاتی و فراهم بودن تجهیزات و مواد آزمایشگاهی لازم بستگی دارد.

یکی از ارکان کیفیت در پژوهش، انگیزه داشتن پژوهشگر است. عدم وجود شرایط مطلوب تحقیق و پژوهش برای دانشجویان و اعضای هیئت علمی باعث تنزل انگیزش و ایجاد دغدغه‌های ذهنی و فشارهای روانی در آنها می‌شود (صالحی، ۱۳۹۴). از آنجا که انگیزش در پژوهش نقش مهمی را برعهده دارد نبود انگیزش در دانشجویان تحصیلات تکمیلی نه تنها باعث افت کیفیت تحقیقات دانشگاهی کشور می‌شود، بلکه اسباب سرخوردگی، سرکوب استعدادها، اعتراض و یا مهاجرت آنها را فراهم می‌آورد. در سال‌های اخیر ناهمگونی رشد تعداد دانشجویان تحصیلات تکمیلی با رشد اقتصادی و صنعتی کشور و عدم ایجاد ظرفیت‌های اشتغال درخور برای فارغ‌التحصیلان این دوره‌ها سبب افزایش سرخوردگی و کاهش انگیزه کار علمی در آنان شده است. با گسترش آموزش عالی بی‌توجه به سایر عوامل لازم برای نیل به توسعه متوازن بازار، صنعت و یا اقتصاد ملی، فرصت‌های شغلی برای فارغ‌التحصیلان دانشگاهی محدود و کم‌یاب شده است و در نتیجه موجبات کاهش انگیزه، بی‌اعتمادی به آینده و احساس عدم کارایی در متخصصان و فارغ‌التحصیلان دانشگاهی را فراهم آورده است که این نیز به نوبه خود باعث افت کیفیت تحقیقات دانشگاهی و تمایل به مهاجرت در میان نخبگان علمی خواهد شد.

یکی دیگر از ملزومات گسترش دوره‌های تحصیلات تکمیلی، تأمین امکانات کافی و اعتبارات لازم تحقیقاتی و پژوهشی است. بدون این ملزومات، حضور در دوره‌های تحصیلات تکمیلی موجب اتلاف وقت دانشجویان و جوانان کشور خواهد شد و موجبات مهاجرت نخبگان را نیز فراهم خواهد آورد (قلی‌پور، ۱۳۸۲). مرور آمارهای آموزش عالی نشان می‌دهد که ظرفیت پذیرش دانشجوی دوره دکتری در سال ۱۳۸۹ از پنج هزار نفر برای تمامی دانشگاه‌های مجری دوره دکتری فراتر نرفته است. با این حال یک سال بعد شورای عالی انقلاب فرهنگی طی مصوبه‌ای دانشگاه‌های مجری دوره دکتری را به پذیرش دو برابری دانشجویان مقطع دکتری تخصصی مکلف می‌سازد. پس از اجرایی شدن این مصوبه است که موجبات رشد بیش‌ازپیش پذیرش دانشجویان تحصیلات تکمیلی در کشور فراهم و افزایش پذیرش دانشجو در دوره‌های تحصیلات تکمیلی بی‌توجه به امکانات به رویه جاری آموزش عالی کشور، به‌ویژه در



بخش غیردولتی تبدیل می‌شود. براین اساس گزارش پیش‌رو با هدف توصیف آماری وضع موجود آموزش عالی کشور و بررسی میزان رشد دانشجویان تحصیلات تکمیلی در یک دهه اخیر و مقایسه با شرایط موجود تهیه شده است؛ ضمن اینکه در این گزارش به نقش هرکدام از دستگاه‌های متولی امر آموزش به توسعه تحصیلات تکمیلی نیز پرداخته شده است. این گزارش همچنین به اختصار چالش‌ها و یا فرصت‌های احتمالی منتج شده از توسعه آموزش عالی به‌خصوص در مقاطع تحصیلات تکمیلی را نیز بررسی می‌کند.

روش تهیه گزارش

تهیه این گزارش عمدتاً متکی بر آمار آموزش عالی است که مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی ارائه کرده و براساس آن آمار، روند رشد دانشجویان تحصیلات تکمیلی بین سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۴، مورد بررسی و مقایسه قرار گرفته است. علاوه بر این، روند رشد جمعیت دانشجویی همه دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سایر دستگاه‌های اجرایی، دانشگاه آزاد اسلامی و سایر مؤسسات آموزش عالی غیردولتی غیرانتفاعی بررسی خواهد شد.

روند رشد دانشجویان تحصیلات تکمیلی از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۴

در جدول ۱ آمار مجموع دانشجویان کشور، مجموع دانشجویان کارشناسی ارشد، دکتری تخصصی و دکتری حرفه‌ای به تفکیک در یک بازه ۱۰ ساله (از سال تحصیلی ۱۳۸۵-۱۳۸۶ تا ۱۳۹۵-۱۳۹۴) نمایش داده شده است. همچنین در جدول مذکور این بازه ۱۰ ساله به دو برش پنج‌ساله تقسیم شده تا روند رشد دانشجویان در پنج‌ساله اول (۱۳۸۵ تا ۱۳۸۹) و پنج‌ساله دوم (۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴) قابل مقایسه باشد. پس از آن همه محاسبات برای بازه ۱۰ ساله نیز تکرار شده است.

داده‌های جدول ۱ نشان می‌دهد در این بازه مجموع دانشجویان کشور با رشدی نزدیک به ۵۴ درصد از حدود ۲ میلیون و ۸۲۸ هزار نفر در سال ۱۳۸۵ به بالغ بر ۴ میلیون و ۳۴۸ هزار نفر در سال ۱۳۹۴ رسیده است. هرچند این آمار به‌طور کلی حکایت از افزایش مجموع دانشجویان کشور نسبت به سال ۱۳۸۵ را دارد اما اگر این آمار را در برش پنج‌ساله دوم ببینیم مجموع دانشجویان کشور در سال تحصیلی ۱۳۹۴-۱۳۹۵ از مجموع آنها در سال تحصیلی ۱۳۹۱-۱۳۹۰ کمتر است. به این صورت که تا سال تحصیلی ۱۳۹۴-۱۳۹۳ شاهد رشد مجموع دانشجویان کشور هستیم ولی این تعداد به یکباره در سال تحصیلی ۱۳۹۴-۱۳۹۵ با کاهشی ۹/۶ درصدی مواجه می‌شود و از حدود ۴ میلیون و ۸۰۰ هزار نفر به حدود ۴ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر رسیده است. از دلایل این کاهش جمعیت دانشجویی را می‌توان کاهش جمعیت جوان کشور (براساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵) دانست

که به‌نظر می‌رسد این روند در سال‌های آتی نیز ادامه داشته باشد.

نکته مهم این است که به‌رغم کاهش جمعیت دانشجویی کشور در سال تحصیلی ۱۳۹۵-۱۳۹۴، مجموع دانشجویان تحصیلات تکمیلی کشور در هیچ سالی از بازه ۱۰ساله فوق کاهش نداشته است. داده‌های جدول ۱ نشان می‌دهد مجموع دانشجویان تحصیلات تکمیلی کشور در سال تحصیلی ۱۳۹۵-۱۳۹۴ نسبت به سال تحصیلی ۱۳۸۶-۱۳۸۵ با رشد بالاتر از ۴۰۰ درصد به بیش از ۵ برابر افزایش یافته و تعداد آنها از حدود ۱۸۰ هزار نفر به بالغ بر ۹۶۸ هزار نفر رسیده است. همچنین تعداد دانشجویان دکتری تخصصی با رشد ۴۲۳ درصدی بیش از ۵ برابر شده است. در همین مدت تعداد دانشجویان دکتری حرفه‌ای و کارشناسی ارشد به‌ترتیب حدود ۹۱ و ۵۷۷ درصد رشد داشته‌اند. به‌این ترتیب تعداد دانشجویان کارشناسی ارشد با افزایش حدود $\frac{6}{5}$ برابری بیشترین و مقطع دکتری حرفه‌ای کمترین میزان رشد را داشته‌اند. نکته دیگر اینکه برخلاف روند کاهشی رشد کلی جمعیت دانشجویی، رشد جمعیت دانشجویان دکتری تخصصی در پنج‌ساله دوم نسبت به پنج‌ساله اول بیشتر بوده است و پیش‌بینی می‌شود این رشد در سال‌های آتی ادامه داشته باشد.



جدول ۱. آمار تفکیکی مجموع دانشجویان کشور، مجموع دانشجویان کارشناسی ارشد،

دکتری تخصصی و دکتری حرفه‌ای

سال تحصیلی	تعداد کل دانشجویان در همه مقاطع	تعداد کل دانشجویان ارشد	درصد دانشجویان ارشد از کل	تعداد دانشجویان دکتری حرفه‌ای	درصد دانشجویان دکتری حرفه‌ای	تعداد دانشجویان دکتری تخصصی	درصد دانشجویان دکتری تخصصی	مجموع دانشجویان تحصیلات تکمیلی	درصد دانشجویان تحصیلات تکمیلی
۱۳۸۶-۱۳۸۵	۲۸۲۸۵۲۸	۱۱۷۸۷۶	۴/۱۷	۴۰۹۰۷	۱/۴۵	۲۲۰۱۶	۰/۷۸	۱۸۰۷۹۹	۶/۳۹
۱۳۸۷-۱۳۸۶	۳۳۹۱۸۵۲	۱۴۶۶۰۵	۴/۳۲	۴۳۳۷۷	۱/۲۸	۲۷۱۹۰	۰/۸۰	۲۱۷۱۷۲	۶/۴۰
۱۳۸۸-۱۳۸۷	۳۳۴۹۷۴۱	۱۸۳۴۲۶	۵/۴۸	۴۷۷۲۵	۱/۴۲	۳۱۴۵۶	۰/۹۴	۲۶۲۶۰۷	۷/۸۴
۱۳۸۹-۱۳۸۸	۳۷۹۰۸۵۹	۲۳۸۶۰۳	۶/۲۹	۴۹۵۸۹	۱/۳۱	۳۵۱۰۶	۰/۹۳	۳۲۳۲۹۸	۸/۵۳
۱۳۹۰-۱۳۸۹	۴۱۱۷۲۰۸	۲۹۰۶۷۹	۷/۰۶	۵۳۱۰۱	۱/۲۹	۳۹۵۲۵	۰/۹۶	۳۸۳۳۰۵	۹/۳۱
درصد رشد ۵ساله اول	۴۵/۵۶	۱۴۶/۶۰	-	۲۹/۸۱	-	۷۹/۵۳	-	۱۱۲/۰۶	-
۱۳۹۱-۱۳۹۰	۴۴۰۴۶۱۴	۴۰۵۰۴۲	۹/۲۰	۵۲۹۷۳	۱/۲۰	۴۷۳۱۵	۱/۰۷	۵۰۵۳۳۰	۱۱/۴۷
۱۳۹۲-۱۳۹۱	۴۳۶۷۹۰۱	۴۵۴۹۷۸	۱۰/۴۲	۶۰۹۰۰	۱/۳۹	۵۸۶۸۳	۱/۳۴	۵۷۴۵۶۱	۱۳/۱۵
۱۳۹۳-۱۳۹۲	۴۶۸۵۳۸۶	۵۸۰۰۰۰	۱۲/۳۸	۶۷۲۲۱	۱/۴۳	۷۳۴۳۷	۱/۵۷	۷۲۰۶۵۸	۱۵/۳۸
۱۳۹۴-۱۳۹۳	۴۸۱۱۵۸۱	۷۲۲۲۵۲	۱۵/۰۱	۷۱۹۱۴	۱/۴۹	۹۴۴۱۰	۱/۹۶	۸۸۸۵۷۶	۱۸/۴۷
۱۳۹۵-۱۳۹۴	۴۳۴۸۳۸۳	۷۷۴۷۶۶	۱۷/۸۲	۷۸۰۱۵	۱/۷۹	۱۱۵۱۹۱	۲/۶۵	۹۶۷۹۷۲	۲۲/۲۶
درصد رشد ۵ساله دوم	-۱/۲	۹۱/۲۸	-----	۴۷/۲۷	-----	۱۴۳/۴۵	-----	۹۱/۵۵	-----
درصد رشد ۱۰ ساله	۵۳/۷۳	۵۵۷/۲۷	--	۹۰/۷۱	-	۴۲۳/۲۱	-	۴۳۵/۳۹	-

مأخذ: آمار مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.

بررسی روند رشد هیئت علمی

یکی از شاخص‌های کیفیت آموزش عالی، متناسب بودن نسبت استاد به دانشجو است. همچنین با توجه به اینکه برای آموزش و تربیت دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری تخصصی نیاز به اعضای هیئت علمی با مرتبه علمی حداقل استادیار (استادیار، دانشیار و استاد) وجود دارد، انتظار می‌رود با توسعه

تحصیلات تکمیلی با همان نسبت یا نسبتی متناسب با آن تعداد اعضای هیئت علمی نیز افزایش یابد. حال برای بررسی این موضوع رشد مجموع اعضای هیئت علمی تمام‌وقت کشور در بازه زمانی مورد مطالعه، بررسی می‌شود. در جدول ۲ تعداد اعضای هیئت علمی تمام‌وقت استادیار به بالا به تفکیک مرتبه علمی در بازه مورد نظر مقایسه شده‌اند. مطابق داده‌های جدول ۲ هرچند تعداد اعضای هیئت علمی در این مدت رشد قابل ملاحظه‌ای را نشان می‌دهد اما متناسب با رشد جمعیت دانشجویان تحصیلات تکمیلی نبوده است و این رشد بدین مفهوم نیست که شاخص نسبت استاد به دانشجو به کشورهای توسعه‌یافته رسیده باشد.

جدول ۲. تعداد اعضای هیئت علمی تمام‌وقت استادیار به بالا به تفکیک مرتبه علمی

از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۴

عنوان دانشگاهی	۱۳۸۵-۱۳۸۶	۱۳۸۹-۱۳۹۰	۱۳۹۱-۱۳۹۲	۱۳۹۲-۱۳۹۳	۱۳۹۳-۱۳۹۴	۱۳۹۴-۱۳۹۵	درصد رشد
استاد	۲۸۲۶	۲۷۰۸	۲۸۴۰	۳۰۰۷	۳۲۸۱	۴۰۱۸	۴۶۲۹ / ۶۳/۸۰
دانشیار	۴۷۰۹	۵۷۶۲	۶۳۶۴	۶۷۸۹	۷۳۰۴	۸۹۴۹	۹۸۰۶ / ۱۰۸/۲۴
استادیار	۲۵۴۳۱	۲۵۱۳۷	۲۶۵۹۴	۲۸۳۱۹	۳۰۶۷۸	۳۴۲۹۳	۳۷۴۷۷ / ۴۷/۳۷
جمع	۳۲۹۶۶	۳۳۶۰۷	۳۵۷۹۸	۳۸۱۱۵	۴۱۲۶۳	۴۷۲۶۰	۵۱۹۱۲ / ۵۷/۴۷

مأخذ: آمار مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.

افزایش تعداد دانشجو علاوه بر اینکه تأثیرات درون دانشگاهی دارد، تأثیرات برون دانشگاهی نیز دارد، به عبارت دیگر بر جامعه نیز به انحاء مختلف تأثیر خواهد داشت. به عنوان نمونه یکی از معضلات عمده جامعه ایرانی نرخ بالای بیکاری است، اما نکته این است که در سال‌های اخیر بیشترین نرخ بیکاری مربوط به فارغ‌التحصیلان دانشگاهی بوده است. به طوری که در پایان سال ۱۳۹۴ نرخ بیکاری ۱۱ درصد و نرخ بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی ۱۸/۵ درصد بوده است. همچنین، در سال ۱۳۸۴ حدود ۲۰ درصد جمعیت بیکار کشور را افراد دارای تحصیلات دانشگاهی تشکیل می‌دادند، در حالی که این سهم در سال ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ حدود دو برابر شده و به نزدیک ۴۰ درصد رسیده است. نمودار ترکیب تحصیلی جمعیت بیکار کشور از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۴ نشان می‌دهد افزایش نرخ بیکاری در بین فارغ‌التحصیلان مقطع کارشناسی ارشد و دکتری تخصصی بسیار بیشتر بوده است. در واقع به نظر می‌رسد بخش آموزش عالی در ایران به جای آنکه در جهت افزایش سرمایه انسانی و در نتیجه افزایش بهره‌وری نیروی کار حرکت کند، بیکاران تحصیلکرده تری تولید کرده است (بهنیا، ۱۳۹۵).

نرخ بالای بیکاری جمعیت جوان کشور به خصوص فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در حالی است که طبق جداول پیشین رشد کمی آموزش عالی در سال‌های اخیر توانسته است به برخی «کمیت‌های مطلوب مهم شاخص‌های کلان علم و فناوری کشور» درج شده در نقشه جامع علمی کشور نزدیک شود



(جدول ۳). حال با توجه به اینکه این امر همزمان با رشد بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی بوده است به نظر می‌رسد تحقق کامل این کمیت‌ها بدون توجه به شاخص‌های کیفی و پتانسیل صنعت و بازار، سبب افزوده شدن بیش‌ازپیش به تعداد فارغ‌التحصیلان بیکار خواهد شد.

جدول ۳. برخی شاخص‌های کمی مدنظر نقشه جامع علمی کشور تا افق ۱۴۰۴

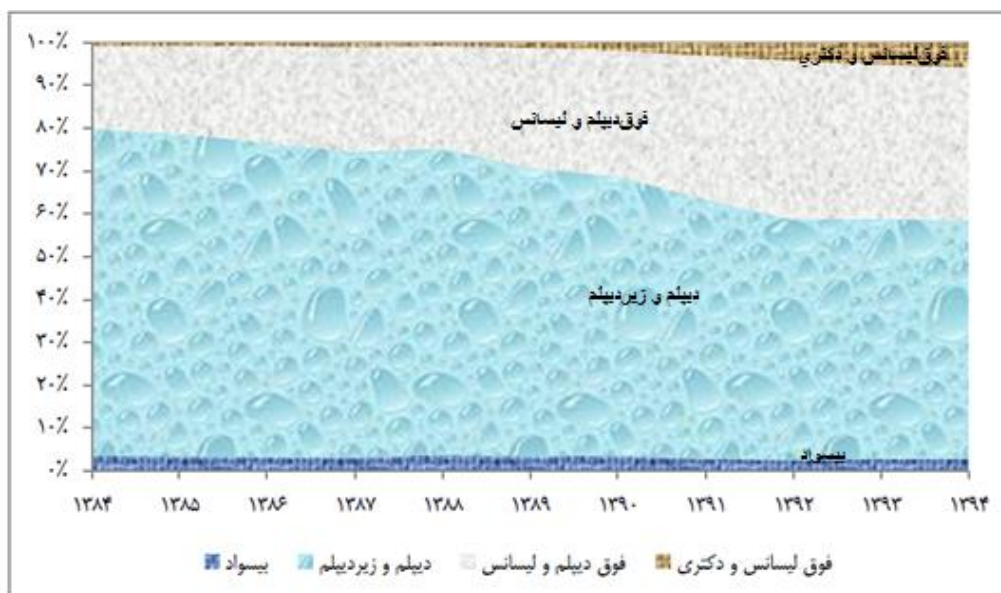
۳۰ درصد	سهم دانشجویان تحصیلات تکمیلی از کل دانشجویان	سرمایه انسانی
۳/۵ درصد	سهم دانشجویان دکتری از کل دانشجویان	
۲۰۰۰ نفر	تعداد اعضای هیئت علمی تمام‌وقت در یک میلیون نفر جمعیت	
۱,۲۰۰,۰۰۰ نفر	تعداد فارغ‌التحصیلان دانشگاهی (سالانه)	

مأخذ: نقشه جامع علمی کشور، ص ۹.

جدول ۳-۱. میزان تحقق شاخص‌های کمی مدنظر نقشه جامع علمی کشور تا سال تحصیلی ۱۳۹۵-۱۳۹۴

۲۲/۲۶	سهم دانشجویان تحصیلات تکمیلی از کل دانشجویان	سرمایه انسانی
۲/۶۵	سهم دانشجویان دکتری از کل دانشجویان	
۱۰۰۰ نفر	تعداد اعضای هیئت علمی تمام‌وقت در یک میلیون نفر جمعیت	
۷۰۰,۰۰۰ نفر	تعداد فارغ‌التحصیلان دانشگاهی (سالانه)	

نمودار ترکیب تحصیلی جمعیت بیکار کشور از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۴



مأخذ: بهنیا، ۱۳۹۵.

با توجه به موارد پیش‌گفته و مشاهده جمعیت تحصیل کرده بیکار این پرسش مطرح می‌شود که آیا توسعه غیرهدفمند آموزش عالی باعث رشد جمعیت فارغ‌التحصیلان بیکار شده است و یا ضعف و ناتوانی بازار تولیدی و سرمایه برای جذب دانش‌آموختگان دانشگاهی؟ در پاسخ به این پرسش می‌توان هر دو

مورد را تأثیرگذار دانست. روند کند توسعه صنعتی و اقتصادی کشور به گونه‌ای بوده است که حتی اگر تحصیل‌کردگان دانشگاهی، تحصیلات عالی هم نداشتند باز هم بخش زیادی از آنها بیکار می‌ماندند و بیکارانی بدون تحصیلات دانشگاهی می‌داشتیم؛ چراکه قبل از توسعه آموزش عالی رشد جمعیت جوان و فعال کشور در دو دهه اخیر و عدم تناسب آن با ظرفیت‌های بالفعل اقتصادی از دلایل مهم شیوع بیکاری در کشور است. در این شرایط توسعه آموزش عالی تحت تأثیر تقاضای اجتماعی و نادیده‌انگاری تقاضای اقتصادی به چنین وضعی دامن زد، ضمن اینکه نباید از نظر دور داشت که دانشگاه، به‌عنوان یک نهاد فرهنگی وظیفه ارتقا سطح فرهنگ، تعلیمات و تربیت افراد جامعه را نیز برعهده دارد و شاید این وظیفه دانشگاه نباشد که تناظر یک به یک بین فارغ‌التحصیلان و بازار کار ایجاد کند. در ادامه تلاش خواهد شد به این سؤال پاسخ داده شود که آیا توسعه کمی آموزش عالی همراه با توسعه کیفی بوده و یا فقط کمیت‌ها افزایش پیدا کرده است؟

روند رشد دانشجویان تحصیلات تکمیلی به تفکیک زیرنظام‌ها

با هدف شناخت بهتر نقش مراکز مختلف در توسعه کمی تحصیلات تکمیلی آمار این دسته از دانشجویان به تفکیک دستگاه مورد بررسی قرار گرفت. طبق آمارها بیش از ۸۰ درصد دانشجویان تحصیلات تکمیلی کشور در دانشگاه‌های زیرمجموعه وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی و دانشگاه آزاد اسلامی مشغول به تحصیل هستند. بنابراین با هدف بررسی و شناخت میزان رشد دانشجویان تحصیلات تکمیلی در سه دستگاه مزبور در جدول ۴ آمار دانشجویان تحصیلات تکمیلی کشور در بازه زمانی ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۴، به تفکیک آورده شده است. داده‌های این جدول حاکی از آن است که تعداد این دسته از دانشجویان طی سال‌های اخیر و در همه دستگاه‌های عمده متولی آموزش کشور افزایش یافته است (بالاترین میزان رشد دانشجو در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری دانشگاه آزاد اسلامی و به ترتیب به میزان ۲۳۰ و ۶۷۳ درصد بوده است). پس از آن بالاترین رشد مربوط به دکتری تخصصی متعلق به وزارت علوم تحقیقات و فناوری با ۱۷۰ درصد و کارشناسی ارشد مربوط به دانشگاه‌های وابسته به وزارت بهداشت با ۱۵۵ درصد بوده است. همچنین داده‌های جدول نشان می‌دهد بیشترین تعداد دانشجویان دکتری تخصصی کشور (۵۶۰۳۸ نفر) در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی وابسته به وزارت علوم تحقیقات و فناوری و بیشترین تعداد دانشجویان کارشناسی ارشد (۴۴۶۲۹۳ نفر) در دانشگاه آزاد اسلامی مشغول به تحصیل هستند.

همان‌طور که گفته شد تغییرات جمعیت دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه آزاد طی سال‌های تحصیلی ۱۳۹۰-۱۳۸۹ تا ۱۳۹۵-۱۳۹۴ بسیار بالا بوده است به طوری که تعداد دانشجویان دوره دکتری تخصصی این دانشگاه از رشدی نزدیک به ۶۷۰ درصدی برخوردار بوده و طی بازه ۶ ساله از ۴۱۷۰ نفر به ۳۲۲۴۹ نفر رسیده است. در سال تحصیلی ۱۳۹۵-۱۳۹۴، بیش از ۵۰ درصد دانشجویان دکتری



تخصصی در دانشگاه‌های وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، حدود ۲۰ درصد در دانشگاه‌ها و دانشکده‌های علوم پزشکی و ۲۹ درصد در دانشگاه آزاد مشغول به تحصیل بوده‌اند، در حالی که این نسبت در سال تحصیلی ۱۳۸۹-۱۳۹۰ به ترتیب حدود ۵۳، ۳۶ و ۱۱ درصد بوده است. مطلب اخیر نشان‌دهنده کاهش سهم وزارتین و افزایش سهم دانشگاه آزاد از تعداد دانشجویان دکتری تخصصی است. بیشترین رشد دانشجویان دکتری تخصصی دانشگاه آزاد اسلامی مربوط به سال تحصیلی ۱۳۹۴-۱۳۹۳ است به طوری که ظرف یک سال تعداد دانشجویان دکتری آن دانشگاه از ۱۰۳۲۳ نفر در سال تحصیلی ۱۳۹۳-۱۳۹۲ به بیش از دوبرابر یعنی ۲۱۱۱۵ نفر در سال تحصیلی ۱۳۹۴-۱۳۹۳ افزایش یافت.

تعداد دانشجویان کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی با افزایشی بالغ بر سه برابر، از حدود ۱۳۵ هزار نفر در سال تحصیلی ۱۳۸۹-۱۳۹۰ به بیش از ۴۴۶ هزار نفر در سال تحصیلی ۱۳۹۵-۱۳۹۴ افزایش یافت و از رشدی بالغ بر ۲۳۰ درصد برخوردار شد. به عبارت دیگر، در سال تحصیلی ۱۳۹۵-۱۳۹۴، بیش از ۶۶ درصد دانشجویان کارشناسی ارشد کشور در آن دانشگاه مشغول به تحصیل بوده‌اند در حالی که این نسبت در سال تحصیلی ۱۳۸۹-۱۳۹۰ حدود ۴۸ درصد بوده است. همچنین در سال تحصیلی ۱۳۹۵-۱۳۹۴ سهم دانشجویان دانشگاه‌های وابسته به وزارتین علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت درمان و آموزش پزشکی از دانشجویان کارشناسی ارشد به ترتیب حدود ۳۰ و ۳ درصد بوده است، با این توضیح که نسبت‌های مذکور در سال تحصیلی ۱۳۸۹-۱۳۹۰ به ترتیب ۴۸/۷ و ۲/۹ درصد بوده است. بنابراین در دوره کارشناسی ارشد، برخلاف دانشگاه آزاد سهم دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی وابسته به وزارت علوم از دانشجویان این مقطع کاهش چشمگیری داشته است.

جدول ۴. روند تغییرات دانشجویان تحصیلات تکمیلی کشور در بازه زمانی ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۴

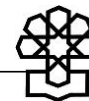
سال تحصیلی	مجموع دانشجویان کارشناسی ارشد وزارت بهداشت	مجموع دانشجویان دکتری حرفه‌ای وزارت بهداشت	مجموع دانشجویان کارشناسی ارشد وزارت علوم	مجموع دانشجویان دکتری حرفه‌ای وزارت علوم	مجموع دانشجویان کارشناسی ارشد آزاد اسلامی	مجموع دانشجویان دکتری تخصصی وزارت علوم	مجموع دانشجویان دکتری تخصصی وزارت بهداشت	مجموع دانشجویان دکتری تخصصی دانشگاه آزاد	جمع
۱۳۸۹-۱۳۹۰	۸۰۰۸	۳۶۸۵۲	۱۳۶۰۰۰	۳۶۹۴	۱۳۵۱۸۵	۲۰۵۲۵	۱۴۰۴۱	۴۱۷۰	۳۵۸۴۷۵
۱۳۹۰-۱۳۹۱	۱۰۸۹۸	۳۸۹۷۱	۱۷۸۳۵۹	۳۹۱۷	۱۹۸۴۳۴	۲۳۶۵۳	۱۵۳۱۳	۷۳۲۰	۴۷۶۸۶۵
۱۳۹۱-۱۳۹۲	۱۴۳۱۶	۴۴۹۵۲	۱۹۱۶۷۶	۳۸۷۳	۲۲۴۷۸۰	۳۱۹۷۷	۱۷۹۷۲	۶۹۶۶	۵۳۶۵۱۲
۱۳۹۲-۱۳۹۳	۱۷۴۹۸	۴۹۳۸۶	۲۴۲۰۱۸	۳۸۳۴	۲۹۲۷۵۲	۴۲۳۹۵	۱۹۰۵۳	۱۰۳۲۳	۶۷۷۲۵۹
۱۳۹۳-۱۳۹۴	۱۹۰۹۰	۵۳۱۵۷	۲۳۲۳۳۳	۳۸۰۱	۴۳۲۱۵۳	۴۹۹۵۲	۲۰۷۶۴	۲۱۱۱۵	۸۳۲۳۶۵
۱۳۹۴-۱۳۹۵	۲۰۴۶۶	۵۸۵۷۰	۲۰۶۰۹۲	۳۸۸۳	۴۴۶۲۹۳	۵۶۰۳۸	۲۲۲۶۶	۳۲۲۴۹	۸۴۵۸۵۷
درصد رشد	۵/۶۱	۱۵۵/۵۷	۵۱/۹۳	۵/۱۲	۲۳۰/۱۴	۱۷۳/۰۲	۵۸/۵۸	۶۷۳/۳۶	۱۳۵/۹۶

مأخذ: آمار مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.

جدول ۵. روند رشد دانشجویان به تفکیک گروه تحصیلی و سهم زنان از سال ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۴

درصد رشد	۱۳۹۴-۱۳۹۵		۱۳۹۳-۱۳۹۴		۱۳۹۲-۱۳۹۳		۱۳۹۱-۱۳۹۲		۱۳۹۰-۱۳۹۱		۱۳۸۹-۱۳۹۰		دوره تحصیلی	گروه تحصیلی
	تعداد	زن (درصد)	تعداد	زن (درصد)	تعداد	زن (درصد)	تعداد	زن (درصد)	تعداد	زن (درصد)	تعداد	زن (درصد)		
۱۸۲/۵۱	۴۹/۴۵	۴۱۰۹۹۰	۴۹/۵۲	۳۸۳۷۰۵	۴۹/۹۴	۲۹۴۲۰۳	۴۹	۲۲۸۴۵۸	۴۹/۵۹	۲۰۴۰۵۰	۴۹/۰۹	۱۴۴۹۶۳	کارشناسی ارشد	علوم انسانی
۳۶۱/۱۳	۳۷/۳۳	۴۲۰۰۴	۳۶/۶۱	۳۰۸۶۰	۳۴/۵۲	۲۰۷۰۱	۳۳/۴۹	۱۴۴۵۰	۳۲/۱	۱۱۱۱۷	۳۰/۱۱	۹۱۰۹	دکتری تخصصی	
۴۶/۵۲	۶۸/۱۶	۶۳۹۱۶	۶۸/۴۱	۶۴۴۸۰	۶۷/۷۳	۶۶۱۵۸	۶۵/۸۱	۵۹۱۷۹	۶۵/۰۸	۵۶۹۴۸	۶۴/۳	۴۳۶۲۳	کارشناسی ارشد	علوم پایه
۲۰۷/۷۱	۶۰/۳۶	۱۷۲۲۳	۵۷/۱۴	۱۵۰۱۱	۵۴/۰۱	۱۲۰۳۲	۵۲/۴۷	۹۳۰۲	۵۰/۷	۷۱۱۰	۴۷/۷	۵۵۹۷	دکتری تخصصی	
۱۵۹/۷۸	۶۸/۷	۱۹۱۹۰	۶۸/۰۳	۱۷۶۲۳	۶۷/۱۸	۱۶۲۱۷	۶۵/۱۵	۱۳۱۱۴	۶۳/۵۶	۱۰۰۵۴	۶۰/۸	۷۳۸۷	کارشناسی ارشد	علوم پزشکی
۳۶۰/۱۰	۵۹/۴۱	۶۹۱۰۸	۶۰/۹۴	۶۳۸۷۷	۶۱/۸	۵۹۳۶۲	۶۱/۸۳	۵۳۳۰۲	۶۱/۳۶	۴۶۲۲۷	۶۲/۱۳	۴۵۸۳۶	دکتری حرفه‌ای	
۳۸۴/۵۹	۵۵/۱	۲۱۸۹۳	۵۵/۱۳	۲۰۶۷۹	۵۳/۴	۱۸۹۴۵	۵۰/۴۲	۱۸۰۴۲	۴۷/۱۱	۱۵۵۷۳	۴۴/۷۶	۱۴۲۶۱	دکتری تخصصی	
۲۳۵/۲۲	۲۵/۳	۱۹۶۰۹۸	۲۴/۸۴	۱۷۶۷۲۷	۲۵/۳۴	۱۳۳۷۶۹	۲۵/۳۸	۹۷۱۱۸	۲۵/۶	۸۳۱۸۸	۲۴/۹۴	۵۸۴۹۹	کارشناسی ارشد	فنی و مهندسی
۲۰۲/۱۴	۲۳/۱	۲۰۰۴۷	۲۱/۹۲	۱۶۷۱۳	۲۱/۵	۱۳۱۱۶	۲۱/۴۳	۱۰۴۷۲	۱۸/۸۸	۸۶۶۲	۱۹/۷۷	۶۶۳۵	دکتری تخصصی	
۵۰/۷۹	۵۴/۰۴	۴۱۴۵۹	۵۳/۰۸	۴۲۳۵۸	۵۱/۲۷	۴۳۶۴۱	۴۸/۹۳	۴۰۹۸۲	۴۷/۰۵	۳۷۷۳۱	۴۶/۴۷	۲۷۵۱۸	کارشناسی ارشد	کشاورزی و دامپزشکی
۲۲/۶۰	۳۵/۲۸	۸۹۰۷	۳۱/۲۳	۸۰۳۷	۲۹/۳۵	۷۸۵۹	۲۸/۰۵	۷۵۹۸	۳۱/۷۸	۶۷۴۶	۳۰/۱۷	۷۲۶۵	دکتری حرفه‌ای	
۲۴۸/۱۸	۴۲/۵۵	۱۱۹۹۸	۴۱/۴۳	۹۷۴۶	۳۹/۶۱	۷۶۵۹	۳۸/۰۵	۵۷۰۱	۳۷/۷۵	۴۲۶۲	۳۶/۷۴	۳۴۴۳	دکتری تخصصی	
۳۹۶/۱۸	۵۹/۲۳	۴۳۱۱۳	۵۷/۳۹	۳۷۳۵۹	۵۷/۶۱	۲۶۰۱۲	۵۹/۰۱	۱۶۱۲۷	۶۰/۳	۱۳۰۷۱	۶۱/۰۲	۸۶۸۹	کارشناسی ارشد	هنر
۳۲۲/۰۸	۴۶/۴۵	۲۰۲۶	۴۵/۴۷	۱۴۰۱	۴۶/۶۵	۹۸۴	۴۴/۹۷	۷۱۶	۴۲/۶۴	۵۹۱	۴۱/۸۸	۴۸۰	دکتری تخصصی	
-	-	۹۶۷۹۷۲	-	۸۸۸۵۷۶	-	۷۲۰۶۵۸	-	۵۷۴۵۶۱	-	۵۰۵۳۳۰	-	۳۸۳۳۰۵	جمع کل	

مأخذ: آمار مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.



افزایش سهم زنان از تحصیلات تکمیلی به دنبال سهم بالاتر آنها از آموزش عالی در مقاطع پایین‌تر به وجود آمده و این روند ادامه دارد.^۱

پیش‌تر گفته شد که مجموع دانشجویان تحصیلات تکمیلی کشور در سال‌های اخیر از رشد بالایی برخوردار بوده است. داده‌های جدول ۵ نشان می‌دهد این رشد مربوط به همه گروه‌های تحصیلی و در همه مقاطع است، هرچند این رشد برای گروه‌های مختلف تحصیلی به یک اندازه و همگون نبوده است. برای نمونه در مقطع کارشناسی ارشد بالاترین رشد مربوط به گروه تحصیلی هنر با رشدی حدود ۳۹۶ درصد و پس از آن گروه فنی و مهندسی با رشد حدود ۲۳۵ درصد بوده است. همچنین در مقطع دکتری تخصصی بالاترین رشد مربوط به گروه‌های تحصیلی علوم پزشکی و علوم انسانی با رشد به ترتیب ۳۸۴ و ۳۶۱ درصد بوده است. در فاصله زمانی مذکور در مقطع دکتری حرفه‌ای علوم پزشکی نیز شاهد رشد حدود ۳۶۰ درصدی بوده‌ایم.

مطابق جدول ۵ بیشترین تعداد دانشجویان کارشناسی ارشد در همه سال‌های مورد نظر متعلق به گروه علوم انسانی و پس از آن گروه تحصیلی فنی و مهندسی بوده است. سهم گروه علوم انسانی از کل دانشجویان کارشناسی ارشد در سال تحصیلی ۱۳۹۴-۱۳۹۵ بالغ بر ۵۳ درصد بوده است. علاوه بر این، بالاترین سهم دانشجویان دکتری تخصصی در سال تحصیلی ۱۳۹۴-۱۳۹۵ نیز متعلق به گروه علوم انسانی بوده در حالی که این سهم تا سال تحصیلی ۱۳۹۲-۱۳۹۱ متعلق به گروه علوم پزشکی بوده است. طی سال‌های مندرج در جدول ۵ کمترین سهم کارشناسی ارشد در گروه علوم پزشکی و کمترین سهم دکتری تخصصی در گروه هنر بوده است.

وضعیت فعلی نسبت دانشجویان به استاد در زیرنظام‌ها

یکی از مباحثی که همواره در حوزه آموزش عالی مطرح است، کیفیت آموزش عالی است. مبحث کیفیت در آموزش عالی بسیار گسترده و پر اهمیت است. برای بررسی و سنجش کیفیت آموزش عالی معیارها و شاخص‌های متعددی تعیین شده‌اند. سازمان‌ها و بنیادهای مختلفی در دنیا برای ارزیابی و تعیین شاخص‌های مناسب سنجش آموزش عالی وجود دارد که بنیاد ملی علم (NSF) آمریکا یکی از آنهاست. البته سازمان‌های بین‌المللی دیگری نظیر UNIDO، WEF، UNDP و UNESCO شاخص‌هایی را برای ارزیابی علم و فناوری ارائه داده‌اند. در جمهوری اسلامی ایران نیز شورای عالی انقلاب فرهنگی

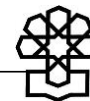
۱. هرچند برای این پدیده می‌توان مزایا و یا معایبی را برشمرد اما اگر توسعه مشارکت زنان در آموزش عالی همزمان با توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه روی دهد، می‌تواند یک فرصت تلقی شود، در غیر این صورت تشدید برخی آسیب‌های اجتماعی در اثر آن، غیرمحمول نیست. از جمله اینکه افزایش تعداد فارغ‌التحصیلان زن موجب تغییر ترکیب مشاغل و از دسترس خارج شدن برخی فرصت‌های شغلی برای مردان می‌شود که خود مبحث مهمی است؛ چراکه در جامعه ایرانی با توجه به نقش اقتصادی پررنگ مرد در خانواده، حساسیت‌ها و بازخوردهای منفی بیکاری مردان بسیار بیشتر است. از نظر ایمانی در صورتی که بین فرهنگ حاکم بر جامعه و نرخ بالای آموزش عالی زنان تعامل برقرار شود و جامعه چنین شرایطی را بپذیرد، می‌توان به ترقی بیشتر جامعه در بسیاری از ابعاد دل بست (مصطفی ایمانی، ۱۳۸۱).

شاخص‌هایی را برای علم و فناوری تدوین کرده است. این شاخص‌ها در گستره ارزیابی کلان و خرد بخش‌های کلی (عمومی)، آموزشی، پژوهشی، دانشجویی، فرهنگی و اعتبارات و امکانات، ابعاد کمی و کیفی را دربر می‌گیرند که در گزارش حاضر فرصت و امکان بررسی همه شاخص‌های کیفی آموزش عالی وجود ندارد، بلکه به‌عنوان نمونه تنها به یکی از عمومی‌ترین این شاخص‌ها، یعنی نسبت دانشجو به استاد، به دلیل اهمیت فراوان آن در مسیر توسعه کمی تحصیلات تکمیلی یا به‌طور کلی آموزش عالی از یکسو و توجه ماده (۶۶) برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به این شاخص از سوی دیگر مورد بررسی قرار گرفته است. در جدول ۶ نسبت‌های مطلوب برنامه ششم توسعه تا سال آخر اجرای برنامه نشان داده شده است. طبق این جدول قرار است نسبت دانشجو به هیئت علمی تمام‌وقت در تمام دستگاه‌های متولی آموزش عالی در کشور کاهش پیدا کند. به طوری که این نسبت در مجموعه دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت درمان و آموزش پزشکی و دانشگاه‌های غیردولتی به ترتیب به ۲۰، ۱۰ و ۴۳ نفر دانشجو به‌ازای هر عضو هیئت علمی تمام‌وقت برسد. ارقام مندرج در جدول مذکور از این حیث حائز اهمیت است که هر قدر نسبت دانشجو به استاد کمتر باشد، کیفیت آموزش از منظر این شاخص بالاتر است. در ادامه به بررسی این شاخص در دستگاه‌های مختلف متولی آموزش عالی کشور پرداخته شده است.

جدول ۶. برخی نسبت‌های مطلوب برنامه ششم توسعه تا ۱۴۰۰

ردیف	عنوان	واحد	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۴۰۰
۱	نسبت دانشجو به هیئت علمی تمام‌وقت وزارت علوم و دستگاه‌های اجرایی (حضور)	نفر	۲۵	۲۴	۲۲	۲۰	۲۰
۲	نسبت دانشجو به هیئت علمی تمام‌وقت وزارت بهداشت (حضور)	نفر	۱۱	۱۱	۱۰	۱۰	۱۰
۳	نسبت دانشجو به هیئت علمی تمام‌وقت دانشگاه‌های غیردولتی	نفر	۵۳	۵۰	۴۷	۴۵	۴۳
۴	نسبت هیئت علمی تمام‌وقت استادیار به بالا به کل هیئت علمی تمام‌وقت در دانشگاه‌های وابسته به وزارت علوم (حضور)	درصد	۸۸	۸۹	۹۰	۹۱	۹۲
۵	نسبت هیئت علمی تمام‌وقت استادیار به بالا به کل هیئت علمی تمام‌وقت در دانشگاه‌های وابسته به وزارت بهداشت (حضور)	درصد	۸۷	۸۹	۹۱	۹۲	۹۳
۶	سهم دانشجویان تحصیلات تکمیلی به کل دانشجویان	درصد	۲۴	۲۶	۲۸	۳۰	۳۰
۷	تعداد دانشجویان تحصیلات تکمیلی گروه علوم پایه	نفر	۱۰۶۰۰۰	۱۱۷۰۰۰	۱۲۹۰۰۰	۱۲۵۰۰۰	۱۴۳۰۰۰

مأخذ: برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی.



جدول ۷ تعداد دانشجو، تعداد اعضای هیئت علمی تمام وقت و تعداد دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی و پژوهشی کشور را به تفکیک دستگاه اجرایی مربوط در سال تحصیلی ۱۳۹۵-۱۳۹۴ نمایش داده است. مطابق داده‌های این جدول بهترین نسبت دانشجو به استاد مربوط به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی وابسته به وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و وزارت علوم تحقیقات و فناوری است که به ترتیب ۱۳ و ۲۸ دانشجو به‌ازای هر عضو هیئت علمی است. این نسبت برای دانشگاه آزاد اسلامی، مؤسسات آموزش عالی غیردولتی - غیرانتفاعی و در کل کشور به ترتیب، ۵۰، ۱۱۶ و ۵۴ نفر دانشجو به‌ازای هر عضو هیئت علمی تمام وقت است.

همان گونه که در جدول ۶ مشاهده می‌شود قانون برنامه ششم نسبت تعداد دانشجو به عضو هیئت علمی تمام وقت دانشگاه‌های غیردولتی تا سال ۱۴۰۰ را ۴۳ نفر به‌ازای هر عضو هیئت علمی تمام وقت در نظر گرفته است. بنابراین با توجه به ارقام ثبت شده در جدول ۷ برای دانشگاه آزاد اسلامی و دانشگاه‌های غیردولتی - غیرانتفاعی که به ترتیب ۵۰ و ۱۱۶ می‌باشد؛ این نسبت تا نسبت مطلوب در برنامه ششم (۴۳ دانشجو به‌ازای یک عضو هیئت علمی) فاصله زیادی دارد.

به دلیل اینکه همزمان با رشد تعداد دانشجویان کشور تعداد دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی و پژوهشی رو به فزونی نهاده آخرین آمار این گونه مراکز در دستگاه‌های متولی آموزش کشور احصا و نسبت اعضای هیئت علمی به‌ازای هر مؤسسه گزارش شده است. طبق آمار به دست آمده در سال ۱۳۹۴ تعداد ۱۶۷۷ دانشگاه، مؤسسه، واحد و مرکز آموزشی دولتی و غیردولتی، بدون احتساب واحدها و مراکز آموزشی دانشگاه‌های فنی و حرفه‌ای جامع علمی - کاربردی در کشور وجود داشته است. بیشترین میانگین تعداد دانشجو به‌ازای هر مؤسسه، واحد یا مرکز آموزشی مربوط به وزارت علوم و دانشگاه آزاد اسلامی به ترتیب با میانگین ۴۵۰۶ و ۳۲۳۱ دانشجو و کمترین این رقم مربوط به مؤسسات آموزش عالی وابسته به دستگاه‌های اجرایی با میانگین ۵۴۳ دانشجو به‌ازای هر مؤسسه است. میانگین کل دانشجو در کشور نیز ۲۵۹۳ دانشجو به‌ازای هر مؤسسه است.

جدول ۷. تعداد دانشجو، تعداد اعضای هیئت علمی تمام‌وقت و تعداد دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی و پژوهشی کشور تا ۱۳۹۵

عنوان	زیرنظام	وزارت علوم، تحقیقات و فناوری	وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی	مؤسسات آموزش عالی غیردولتی - غیرانتفاعی	دانشگاه پیام نور	دانشگاه فرهنگیان	دانشگاه آزاد اسلامی	سایر	کل
تعداد دانشجو	۶۹۸۳۷۹	۱۸۹۴۰۴	۳۷۶۱۶۸	۶۷۹۰۶۲	۷۰۴۲۸	۱۶۲۱۸۰۹	۲۶۶۰۲	۴۳۴۸۳۸۳	
تعداد اعضای هیئت علمی تمام‌وقت	۲۴۸۷۱	۱۴۳۰۲	۳۲۲۴	۳۹۱۹	۷۰۷	۳۲۴۹۴	۳۷۰	۸۰۰۹۷	
تعداد دانشگاه یا مؤسسه آموزشی و پژوهشی	۱۵۵	۵۹	۳۱۶	۵۳۱	۶۵	۵۰۲	۴۹	۱۶۷۷	
نسبت دانشجو به عضو هیئت علمی تمام‌وقت	۲۸	۱۳	۱۱۶	۱۷۳	۱۰۰	۴۹/۹	۷۱/۹	۵۴	
میانگین دانشجو در هر مؤسسه	۴۵۰۶	۳۲۱۰	۱۱۹۰	۱۲۷۸	۱۰۸۳	۳۲۳۱	۵۴۳	۲۵۹۳	
میانگین هیئت علمی در هر مؤسسه	۱۶۰	۲۴۲	۱۰	۷	۱۱	۶۵	۸	۴۸	

مأخذ: آمار مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.



جدول ۷ نشان می‌دهد بهترین نسبت تعداد اعضای هیئت علمی تمام‌وقت به‌ازای هر مؤسسه مربوط به وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و وزارت علوم تحقیقات و فناوری به‌ترتیب با نسبت‌های ۲۴۲ و ۱۶۰ نفر به‌ازای هر دانشگاه است. این نسبت در کل کشور به‌طور میانگین حدود ۴۸ عضو هیئت علمی تمام‌وقت به‌ازای هر مؤسسه وجود دارد.

با توجه به جدول ۶ ازجمله موارد دیگری که مورد نظر برنامه ششم بوده است اصلاح هرم عضو هیئت علمی (یعنی افزایش نسبت اعضای هیئت علمی استادیار به بالا به مربی) دانشگاه‌ها در دو دستگاه عمده متولی آموزش یعنی وزارتین علوم و بهداشت بوده که به‌ترتیب ۹۲ و ۹۳ درصد پیش‌بینی شده است. با توجه به اینکه این نسبت در سال ۱۳۹۴ به‌ترتیب ۸۷ و ۸۱ درصد بوده است می‌توان گفت از این منظر با اهداف برنامه فاصله زیادی وجود ندارد.

نسبت دانشجوی به استاد برحسب گروه‌ها، مقاطع تحصیلی و زیرنظام‌ها

یکی از مظاهر عدم توازن در توسعه آموزش عالی اختلاف نسبت دانشجوی به استاد در گروه‌های تحصیلی مختلف است. یعنی برخی از گروه‌های تحصیلی از این نظر دارای شرایط بهتری هستند و برخی دیگر شرایط چندان مناسبی ندارند. چون در این گزارش موضوع اصلی بحث گسترش تحصیلات تکمیلی است بنابراین در جدول ۸ تعداد اعضای هیئت علمی تمام‌وقت استادیار به بالا، تعداد دانشجویان برحسب دستگاه اجرایی و گروه تحصیلی در سال تحصیلی ۱۳۹۵-۱۳۹۴ آورده شده است. در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دانشگاه پیام نور، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، دانشگاه آزاد اسلامی و مؤسسات آموزش عالی غیردولتی - غیرانتفاعی نسبت دانشجوی تحصیلات تکمیلی به‌ازای هر عضو هیئت علمی به‌ترتیب بالغ بر ۱۲، ۳۱، ۹، ۳۲ و ۴۶ نفر می‌باشد. همان‌طور که مشاهده می‌شود این شاخص در مؤسسات آموزش عالی غیردولتی - غیرانتفاعی و دانشگاه آزاد اسلامی دارای بدترین کیفیت است.

در برخی دانشگاه‌های تراز اول کشور مانند دانشگاه‌های صنعتی شریف، شهید بهشتی، تهران و تربیت مدرس نسبت دانشجوی به استاد در سال ۱۳۹۴ به‌ترتیب ۲۱، ۱۸، ۲۶ و ۱۳ نفر دانشجوی به‌ازای هر عضو هیئت علمی تمام‌وقت بوده است. این نسبت در برخی دانشگاه‌های کوچک که به تصادف انتخاب شده‌اند مانند دانشگاه‌های ایلام، زنجان، شهرکرد و شاهرود به‌ترتیب ۳۰، ۲۸، ۲۸ و ۴۰ نفر دانشجوی به‌ازای هر عضو هیئت علمی تمام‌وقت بوده است. این آمار در حالی است که در بیش از ۲۲۰ مؤسسه آموزش عالی و دانشگاه در آمریکا این نسبت کمتر و یا برابر ۱۲ دانشجوی به‌ازای هر استاد است. برای مثال نسبت مذکور در دانشگاه‌های هاروارد، پنسیلوانیا، سیمپسون و کلارک به‌ترتیب ۷، ۶، ۹ و ۹ نفر

دانشجو به‌ازای هر استاد است (برگرفته از سایت OBDE)^۱. با این حساب مشخص می‌شود نسبت دانشجو به عضو هیئت علمی در دانشگاه‌های معتبر کشور با دانشگاه‌های تراز اول دنیا فاصله زیادی دارد. در ادامه نسبت دانشجو به استاد در گروه‌های مختلف تحصیلی به تفکیک دستگاه‌های اجرایی مورد بررسی قرار خواهد گرفت. مطابق جدول ۸، در وزارت علوم و دانشگاه آزاد اسلامی بهترین نسبت دانشجو به استاد مربوط به گروه‌های تحصیلی علوم پزشکی و علوم پایه است و بدترین آن مربوط به هنر و علوم انسانی است. تنها در وزارت بهداشت همه گروه‌ها تقریباً از شرایط مناسبی از این حیث برخوردارند. همچنین، گروه علوم پایه در همه دستگاه‌های اجرایی از نسبت بهتری در مقایسه با سایر گروه‌ها برخوردار است و در مقابل گروه هنر در همه دستگاه‌ها دارای بدترین نسبت دانشجو به استاد در مقایسه با سایر گروه‌هاست. وضعیت سایر گروه‌های تحصیلی در جدول ۸ قابل مشاهده است.

جدول ۸. تعداد اعضای هیئت علمی تمام‌وقت و استادیار به بالا برحسب زیرنظام و گروه برنامه‌ریزی

در سال تحصیلی ۱۳۹۵-۱۳۹۴

زیرنظام	گروه برنامه‌ریزی	استادیار	دانشیار	استاد	جمع	تعداد دانشجویان تحصیلات تکمیلی	نسبت دانشجو تحصیلات تکمیلی به استاد
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری	علوم انسانی	۴۴۶۵	۱۵۱۱	۴۹۰	۶۴۶۶	۹۹۹۹۳	۱۵
	علوم پایه	۳۱۲۵	۱۰۹۹	۶۷۳	۴۸۹۷	۴۵۹۸۱	۹
	علوم پزشکی	۱۲۱	۶۳	۳۷	۲۲۱	۱۶۱۹	۷
	فنی و مهندسی	۳۹۴۴	۱۲۷۱	۸۰۲	۶۰۱۷	۷۳۷۹۰	۱۲
	کشاورزی و دامپزشکی	۲۲۲۳	۹۶۳	۴۲۶	۳۶۱۲	۳۵۱۷۸	۱۰
	هنر	۴۰۵	۸۲	۲۹	۵۱۶	۹۴۵۲	۱۸
	جمع	۱۴۲۸۳	۴۹۸۹	۲۴۵۷	۲۱۷۲۹	۲۶۶۰۱۳	۱۲
دانشگاه پیام نور	علوم انسانی	۸۴۵	۷۹	۱۲	۹۳۶	۳۵۴۱۲	۳۸
	علوم پایه	۳۲۸	۵۳	۱۷	۳۹۸	۷۴۵۰	۱۹
	فنی و مهندسی	۹۶	۶	-	۱۰۲	۳۱۲۴	۳۱
	کشاورزی و دامپزشکی	۹۴	۷	-	۱۰۱	۱۳۱۵	۱۳
	هنر	۱۳	۱	-	۱۴	۶۷۲	۴۸
جمع	۱۳۷۶	۱۴۶	۲۹	۱۵۵۱	۴۷۹۷۳	۳۱	
	علوم انسانی	۱۰۰	۱۴	۵	۱۱۹	۴۵۱۸	۳۸
	علوم پایه	۴۲	۴	-	۴۶	۱۳۱۹	۲۹



نسبت دانشجویان تحصیلات تکمیلی به استاد	تعداد دانشجویان تحصیلات تکمیلی	جمع	استاد	دانشیار	استادیار	گروه برنامه ریزی	زیرنظام
۴۷	۳۹۱۸	۸۳	۴	۱۳	۶۶	فنی و مهندسی	سایر دستگاه‌های اجرایی
۴	۱۸۰	۴۸	۱	۸	۳۹	کشاورزی و دامپزشکی	
-	۱۸۲	-	-	-	-	هنر	
۳۴	۱۰۱۱۷	۲۹۶	۱۰	۳۹	۲۴۷	جمع	
۳	۱۸۸۷	۶۳۹	۴۷	۱۵۲	۴۴۰	علوم انسانی	وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی
۳	۱۰۵۱	۴۰۴	۴۷	۱۰۰	۲۵۷	علوم پایه	
۹	۹۶۹۵۹	۱۰۴۹۷	۹۷۵	۲۵۷۵	۶۹۴۷	علوم پزشکی	
۱۸	۱۴۰۵	۷۷	۶	۱۶	۵۵	فنی و مهندسی	
-	-	۲۰	۱	۵	۱۴	کشاورزی و دامپزشکی	
۹	۱۰۱۳۰۲	۱۱۶۳۷	۱۰۷۶	۲۸۴۸	۷۷۱۳	جمع	
۴۶	۲۸۷۱۲۲	۶۲۹۹	۳۴۲	۶۵۲	۵۳۰۵	علوم انسانی	دانشگاه آزاد اسلامی
۹	۲۴۳۰۱	۲۶۵۹	۲۰۶	۳۴۳	۲۱۱۰	علوم پایه	
۱۴	۱۱۶۱۳	۸۱۰	۴۰	۷۳	۶۹۷	علوم پزشکی	
۳۴	۱۱۵۸۰۲	۳۳۴۷	۲۱۰	۳۱۵	۲۸۲۲	فنی و مهندسی	
۱۳	۲۴۶۶۲	۱۸۹۸	۱۳۶	۲۴۲	۱۵۲۰	کشاورزی و دامپزشکی	
۸۳	۳۰۶۰۴	۳۶۹	۱۳	۱۹	۳۳۷	هنر	
۳۲	۴۹۴۱۰۴	۱۵۳۸۲	۹۴۷	۱۶۴۴	۱۲۷۹۱	جمع	
۴۴	۲۳۷۶۴	۵۳۶	۲۴	۷۵	۴۳۷	علوم انسانی	
۱۳	۹۸۶	۷۴	۲۴	۶	۴۴	علوم پایه	مؤسسات آموزش عالی غیردولتی - غیرانتفاعی
۰	۰	۲	۱	۱	۱	علوم پزشکی	
۴۸	۱۷۹۷۴	۳۷۲	۳۴	۳۹	۲۹۹	فنی و مهندسی	
۴۷	۹۸۳	۲۱	۵	۵	۱۱	کشاورزی و دامپزشکی	
۱۰۸	۴۲۲۹	۳۹	۱	۲	۳۶	هنر	
۴۶	۴۷۹۳۶	۱۰۴۴	۸۹	۱۲۷	۸۲۸	جمع	
-	۵۲۷	۲۵۲	۱	۵	۲۴۶		
۱۹	۹۶۷۹۷۲	۵۱۸۹۱	۴۶۰۹	۹۷۹۸	۳۷۴۸۴	جمع کل	

مأخذ: آمار مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.

البته نباید از نظر دور داشت که در دوره‌های تحصیلات تکمیلی نسبت دانشجویان به استاد از اهمیت بیشتری برخوردار است، چراکه راهنمایی دانشجوی مشغول به تحصیل در این دوره‌ها اهمیت ویژه‌ای دارد.

ترکیب جنسیتی گروه‌های تحصیلی و روند رشد دانشجویان تحصیلات تکمیلی بر حسب گروه‌های تحصیلی

بانوان به‌عنوان نصف جمعیت یک کشور، نقش بسیار مهمی در تربیت نسل‌های آینده به‌عهده دارند، لذا آموزش زنان در بسیاری از جوامع مورد توجه فراوان قرار گرفته است. به‌رحال یکی از شاخص‌های توسعه فرهنگی و اجتماعی یک جامعه می‌تواند مشارکت و فعالیت زنان در آموزش عالی باشد. بنابراین در این گزارش ترسیم شرایط فعلی مشارکت زنان در آموزش عالی و گروه‌های آموزشی مورد علاقه و روند تغییرات مشارکت آنان در سال‌های اخیر، مورد توجه قرار گرفته است. جدول ۵ تعداد دانشجویان تحصیلات تکمیلی و سهم زنان را به تفکیک گروه‌های تحصیلی از سال تحصیلی ۱۳۹۰-۱۳۸۹ تا ۱۳۹۵-۱۳۹۴ نمایش می‌دهد. داده‌های این جدول نشان می‌دهد در سال تحصیلی ۱۳۹۵-۱۳۹۴ سهم دانشجویان زن در دوره کارشناسی ارشد در اکثر گروه‌های تحصیلی بجز فنی و مهندسی بیشتر از مردان است و در گروه علوم انسانی سهم دو جنس تقریباً معادل است.

نکته دیگر اینکه بالاترین سهم زنان مربوط به دو گروه علوم پایه (۶۸/۴۳ درصد) و علوم پزشکی (۶۸ درصد) است و اخیراً سهم بالاتر زنان در گروه کشاورزی و دامپزشکی نیز محقق شده است. برخلاف مقطع کارشناسی ارشد سهم زنان در مقطع دکتری در بیشتر گروه‌های تحصیلی کمتر از مردان است. در سال تحصیلی ۱۳۹۵-۱۳۹۴ سهم دانشجویان زن در دوره دکتری تخصصی فقط در دو گروه علوم پایه و علوم پزشکی از سهم مردان بیشتر و به‌ترتیب حدود ۶۰ و ۵۵ درصد بوده است. البته باید توجه داشت که در سال‌های پیش مثلاً در سال تحصیلی ۱۳۹۰-۱۳۸۹ سهم زنان از دوره دکتری تخصصی در همه گروه‌های تحصیلی کمتر از سهم مردان بوده است، اما روند تغییرات ترکیب جنسیتی دانشجویان در سال‌های اخیر نشان می‌دهد که سهم زنان از دوره‌های تحصیلات تکمیلی در همه گروه‌ها بجز دوره کارشناسی ارشد گروه هنر پیوسته در حال افزایش بوده است. به‌طور خلاصه می‌توان گفت سهم زنان از تحصیلات تکمیلی سال به سال در حال افزایش است. همچنین، رغبت زنان به گروه علوم پزشکی و پس از آن گروه علوم پایه بیشتر و کمترین تمایل آنان به گروه تحصیلی فنی و مهندسی است.



نتیجه‌گیری

دلالت‌های سیاستگذاری واقعیت موجود آموزش عالی از این قرار است:

۱. با توجه به کاهش جمعیت ۱۸ تا ۲۴ سال کشور و به تبع آن کاهش جمعیت دانشجویی، ساماندهی مؤسسه‌های آموزشی می‌تواند در دستور کار قرار گیرد.
۲. افزایش جمعیت دانشجویان تحصیلات تکمیلی مستلزم تغییر سیاست‌های آموزشی، جذب اعضای هیئت علمی جدید، افزایش تجهیزات و امکانات تحقیقاتی پیشرفته و پیش‌بینی نسبی آینده شغلی آنان است.
۳. متناسب‌سازی جمعیت دانشجویی و اعضای هیئت علمی و کاهش افت تحصیلی ناشی از آن مستلزم ایجاد سیاست‌های محدودسازی و کاهش پذیرش دانشجو متناسب با شرایط حداقلی است.
۴. کاهش روند افزایش بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در گرو اصلاح نقشه جامع علمی کشور و نظام آموزشی و متناسب‌سازی رشته‌های تحصیلی و شیوه‌ها و ساختارهای آموزشی با نیازهای بازار کار کشور است.
۵. با توجه به اینکه دانشگاه آزاد اسلامی به گواهی آمار بیشترین سهم را در ایجاد این وضعیت داشته است، اصلاح رویه‌های قانونی جذب دانشجو در این دانشگاه اولویت دارد.
۶. ادغام و حذف مؤسسه‌های آموزشی که حداقل شرایط مناسب برای آموزش را ندارند برای جلوگیری از افت کیفیت نظام آموزش عالی ضروری است.
۷. اتخاذ سیاست متکثر متناسب با وضعیت گروه‌های تحصیلی به جای یک سیاست واحد در خصوص همه رشته‌ها و گروه‌ها، در شرایط فعلی توازن و کارآمدی بیشتری ایجاد خواهد کرد.

منابع و مأخذ

۱. ایمانی، مصطفی. بررسی و تحلیل افزایش سهم زنان در آموزش عالی، ۱۳۸۱.
۲. بهنیا، مهران. عزیزخانی، فاطمه. با نمایندگان در مجلس دهم، بیکاری، اشتغال و بازار کار مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۵.
۳. صالحی، منیره و دیگران. اعتباریابی مقدماتی مقیاس انگیزش پژوهشی در دانشجویان تحصیلات تکمیلی، دوره ۱۱، مطالعات روان‌شناختی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه الزهراء (س)، ۱۳۹۴.
۴. قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۵.
۵. قلی‌پور، رحمت‌ا... . نگاهی به پدیده مهاجرت نخبگان، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۲.
۶. مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، کتاب آمار آموزش عالی کشور، ۱۳۹۶.
۷. نقشه جامع علمی کشور، ۱۳۸۹.



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شناسنامه گزارش

شماره مسلسل: ۱۶۱۱۳

عنوان گزارش: نگاهی بر گسترش دوره‌های تحصیلات تکمیلی در ایران (۱۳۹۵-۱۳۸۵)

نام دفتر: مطالعات اجتماعی (گروه آموزش عالی، پژوهش و فناوری)

تهیه و تدوین کننده: یوسف زراعت کیش

همکار: سینا کلهر

ناظران علمی: محمدرضا مالکی، احمد خدادادی

متقاضی: کمیسیون آموزش و تحقیقات

ویراستار ادبی: احمد داوری

واژه‌های کلیدی:

۱. تحصیلات تکمیلی

۲. دکتری تخصصی

۳. کارشناسی ارشد

۴. نسبت دانشجو به استاد



تاریخ انتشار: ۱۳۹۷/۷/۲۵